

پیام

محترمه نجیبه ارش

بمناسبت پانزدهمین سال شهادت داکتر نجیب الله، سابق ریس جمهور افغانستان و ریس حزب وطن

میگویند: «تاریخ خواندن و تاریخ فهمیدن خوب است ولی به وجود آوردن تاریخ خوبتر از آن است!؟ وداکتر نجیب اله شهید از آن انگشت شمارانی است که هم خود تاریخ را خواند، هم از آن درس ها و پند ها آموخت و هم خود فصلی از آنرا با خون خود نوشت و عنوان آنرا گذاشت که خون باخون شسته نمیشود» . اینک پارچه شعر حماسی را که یکی دو بار در مظاهرات دهه چهل پوهنتون کابل با صدای رسایی داکتر نجیب اله دکلمه شده و بسیار باشهادت و شخصیت بلند خودش همخوانی دارد، بمناسبت پانزدهمین سالگرد شهادت شان به فتانه نجیب خانم وسه فرزند شان و همزمان صدیق شان اهدا میکنم . همیشه قوی و نیرومند باشید .

از ژرفای یک تابوت!

من از ژرفای این تابوت وهم انگیز میگویم:

که خصم ای آفتاب عصر تو بر بام بربادی
چنین بازی مکن با مرگ طوفان زای خونینم
که مرگ من چنین آسان بازی نیست

که خونم قطره های سرد باران نیست
که مرگ من، چومرگی چون شما اهریمنان
ننگین و بی پای نیست
که خون من

چوخون، چون شما اهریمنان
آلوده اندر خون انسان نیست .
وباز از ژرفای این تابوت وهم انگیز میگویم

که مرگم، آفتابی، آزرخشی، اختری .
اندر دل شب های ظلمانیست
که خون من حنای دست دیوان نیست

که کوه ساران ندارد طاقت طوغیان خونم را
و باز من از ژرفای این تابوت وهم انگیز میگویم:

که همزمام

تو داغ لکه های خون من با گریه نزدایی
ولی از قطره های خون من طوفان به پاسازی
«غریو انداز و خشم آگین و ویران گر»

و بسپاری به اندر موج طوفانش

خصم اهرمین خورا

و باز من از ژرفای این تابوت وهم انگیز میگویم

که مرگ من چنین آسان بازی نیست

که خونم قطره های سرد باران نیست

طوفان است، عصیان است، سیلاب است.

چنین آسان بازی نیست

چنین آرام بازی نیست
